

## Independent System of Jurisdiction of International Criminal Court Over the Crime of Aggression

**Morteza Asghari\***

MA in Criminal Law and Criminology,  
University of Judicial Sciences and  
Administrative Services, Tehran, Iran

**Hossein Mir-Mohammad  
Sadeghi**

Professor in Criminal Law and Criminology,  
Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

### Abstract

There was serious controversy in the 1996 negotiations on the drafting of the ICC Statute on putting aggression on the list of crimes under the jurisdiction of the tribunal, which in turn stemmed from disagreements over the terms of Exercise of the ICC's jurisdiction. The Review Conference's amendments in 2010 and Assembly state parties 2017 introduced specific rules regarding ICC's jurisdiction for aggression that differ from the usual jurisdiction of the Court in respect of other crimes within its jurisdiction. It also lacks a clear and precise explanation for ICC's specific jurisdiction over the crime of aggression, which has sometimes led to disagreements among jurists. Therefore, this paper will examine the ambiguous points of this jurisdiction regime in the Statute as well as the difficulty of applying ICC's jurisdiction over the crime of aggression after July 17, 2018.

**Keywords:** International Criminal Court, Aggression, Security Council, Act of Aggression.

---

\* Corresponding Author: Corresponding author: m.asghari612@gmail.com

## نظام مستقل صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی نسبت به جنایت تجاوز ارضی

فارغ‌التحصیل ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری تهران، ایران

مرتضی اصغری \* ID

استاد تمام گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

حسین میرمحمد صادقی ID

### چکیده

در مذاکرات تدوین اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در خصوص ذکر تجاوز ارضی در فهرست جنایات داخل در صلاحیت دیوان، اختلاف نظرهای جدی به وجود آمده بود. این موضوع به خودی خود ناشی از اختلاف‌ها در خصوص شرایط اعمال صلاحیت دیوان نسبت به این جنایت دهشتناک بود. بر اساس اصلاحات کنفرانس بازنگری ۲۰۱۰ و مجمع دول عضو ۲۰۱۷ میلادی، شرایط اعمال صلاحیت دیوان نسبت به تجاوز ارضی متفاوت از روند عادی دادرسی دیوان نسبت به سایر جنایات تحت صلاحیت یعنی نسل‌کشی، جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت است، به گونه‌ای که می‌توانیم از نظام مستقل صلاحیت دیوان نسبت به تجاوز ارضی سخن به میان آوریم. علاوه بر این، اساسنامه دیوان تبیین دقیق و واضحی از سازکار ویژه اعمال صلاحیت نسبت به تجاوز نداشته که بعضاً باعث اختلافات بین حقوقدانان گشته است. لذا در این مقاله ضمن بررسی نقاط تاریک این نظام صلاحیت در اساسنامه، روند چالش‌های اعمال صلاحیت دیوان نسبت به جنایت تجاوز ارضی پس از آغاز صلاحیتش از تاریخ ۱۷ جولای ۲۰۱۸ میلادی بررسی خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی، تجاوز ارضی، شورای امنیت، اقدام تجاوزکارانه.

## مقدمه

در مذاکرات تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی در سال ۱۹۹۸ میلادی، اکثر دولت‌ها علی‌رغم اختلافات، از درج جنایت تجاوز در اساسنامه حمایت می‌کردند. اما تعریف تجاوز و رابطه دیوان با شورای امنیت در احراز اقدام تجاوز کارانه به عنوان موضوعی اختلافی باقی مانده بود. در آخرین روز کنفرانس یعنی ۱۷ جولای ۱۹۹۸ میلادی، کنفرانس دیپلماتیک رم با توجه به پیشنهاد کشورهای غیرمتعهد، راه‌حل موقتی را برگزید: ذکر عنوان این جنایت در بند ۲ ماده ۵ اساسنامه و اینکه در کنفرانس بازنگری ضمن تعریف این جنایت، شرایط اعمال صلاحیت دیوان نسبت به آن مشخص گردد. نخستین کنفرانس بازنگری از تاریخ ۳۱ می تا ۱۱ ژوئن ۲۰۱۰ میلادی با حضور ۴۶۰۰ نفر از نمایندگان دولت‌ها، سازمان‌های بین‌الدولی و غیردولتی در شهر کامپالا، پایتخت کشور اوگاندا، تشکیل شد. نتیجه این کنفرانس الحاق سه ماده به اساسنامه تحت عناوین مواد ۸ مکرر و ۱۵ مکرر و ۱۵ مکرر دوم شامل تعریف جنایت تجاوز و عناصر آن و نیز شرایط اعمال صلاحیت دیوان نسبت به این جنایت بود. شرایط اعمال صلاحیت دیوان مطابق با مصوبات کنفرانس بازنگری کامپالا عبارت بودند از اینکه هر دو کشور متجاوز و قربانی تجاوز عضو اساسنامه باشند، اصلاحات بازنگری کامپالا ۲۰۱۰ میلادی را تصویب کرده باشند و اعلامیه عدم پذیرش صلاحیت دیوان نسبت به جنایت تجاوز را نیز تنظیم نکرده باشند.

همین تغییرات اساسنامه باعث کاهش صلاحیت دیوان در موارد ارجاعی از جانب دول عضو و ابتکار دادستان نسبت به سایر جنایات شده است. کاهش صلاحیت سرزمینی دیوان به این نحو است که هر دو کشور متجاوز و قربانی تجاوز عضو اساسنامه باشند؛ بند ۵ ماده ۱۵ مکرر باعث عدم حمایت قضایی دیوان نسبت به تجاوز احتمالی از سوی دولت غیر عضو نسبت به یک دولت عضو می‌شود. این محدودیت صلاحیت سرزمینی در مذاکرات به عنوان یک امتیاز برای کشورهای غیرعضو اعطاء شده است. این تصمیمات باعث انحراف از کلیات صلاحیت سرزمینی در ماده ۱۲ اساسنامه شده است. موافقتنامه کامپالا حاصل یک دوره مذاکرات دوازده ساله کمیسیون مقدماتی برای تشکیل دیوان کیفری بین‌المللی و گروه

کاری ویژه جنایت تجاوز بوده است. در کشاکش کنفرانس بازنگری و حفظ صلاحیت انحصاری شورای امنیت در احراز اقدام تجاوزکارانه، فرصت کمی برای تأمین اجماع یا نصاب اکثریت دوسوم برای تصویب اصلاحات وجود داشت. تنها مسیر واقع‌گرایانه جهت اجماع اجتناب از این انحصار بود. این موضوع یعنی عدم انحصار شورای امنیت در احراز اقدام تجاوزکارانه در پیش‌نویس اصلاحیه اعمال شد. واکنش اعضای دائم شورای امنیت به خصوص فرانسه و انگلیس نسبت به این اقدام قابل پیش‌بینی نبود. به همین دلیل حدود نیمه شب ۱۱ ژوئن، یک شرط اضافی دیگر برای فعال شدن صلاحیت دیوان نسبت به جنایت تجاوز ارضی در پیش‌نویس اصلاحات پیش‌بینی شد (Claus Kre and Leonie von Holtzendorff, 2010: 1207-1208). در نهایت طرح پیشنهادی در خصوص تجاوز در ساعت ۰۱:۲۰ بامداد روز ۱۲ ژوئن ۲۰۱۰ مورد تصویب قرار گرفت. در ادامه به بررسی نشست مجمع دول عضو در سال ۲۰۱۷ و مشکلات آتی دیوان در خصوص اعمال صلاحیت نسبت به جنایت تجاوز ارضی پرداخته خواهد شد.

### ۱. آغاز اعمال صلاحیت دیوان نسبت به جنایت تجاوز ارضی

در کنفرانس بازنگری کامپالا، آغاز صلاحیت دیوان نسبت به جنایت تجاوز ارضی منوط به دو شرط شده بود: نخست، تصویب این اصلاحات توسط سی دولت عضو و دوم، تصمیم مجمع دول عضو بعد از یکم ژانویه ۲۰۱۷ میلادی مبنی بر آغاز صلاحیت دیوان نسبت به جنایت تجاوز ارضی با همان اکثریتی از کشورهای عضو که برای پذیرش اصلاحات اساسنامه لازم است. دستاوردهای برگزاری نشست مجمع دول عضو در سال ۲۰۱۷ میلادی بدین شرح هستند:

۱-۱. شانزدهمین نشست مجمع دول عضو در سال ۲۰۱۷ میلادی مطابق با

مقررات بند ۳ ماده ۱۵ مکرر و بند ۳ ماده ۱۵ مکرر دوم

مجمع دول عضو در راستای فعال کردن صلاحیت دیوان نسبت به جنایت تجاوز مطابق با مواد ۱۵ مکرر و ۱۵ مکرر دوم در سال ۲۰۱۷ میلادی طی چند نشست در نیویورک برگزار

گردید. برخلاف کنفرانس بازنگری ۲۰۱۰ کامپالا، در این نشست فقط اعضای دول عضو اساسنامه به بررسی و در نهایت اتخاذ تصمیم پرداختند. به نظر می‌رسد دولت‌ها در سال ۲۰۱۷ میلادی تردیدهای کمتری نسبت به فعال کردن صلاحیت دیوان نسبت به جنایت تجاوز داشتند و هیئت‌های نمایندگی در جلسه مجمع دول عضو حمایت خود را از فعال کردن صلاحیت دیوان نسبت به جنایت تجاوز اعلام داشتند و تأکید کردند که اصلاحات کامپالا نمی‌توانند موضوع مذاکره مجدد قرار بگیرند. لذا مذاکرات راجع به حوزه صلاحیت دیوان در ارتباط با تصویب یا عدم تصویب اصلاحات کامپالا توسط دول عضو پررنگ شده بوده است. این موضوع بیانگر این مطلب است که نشست مجمع دول عضو جهت فعال کردن صلاحیت دیوان نسبت به جنایت تجاوز یک نشست تشریفاتی نبوده است. در حالی که برای لازم‌الاجراء شدن اساسنامه نیاز به دریافت ۶۰ سند تصویب یا پذیرش نزد دبیرکل ملل متحد بود. این تعداد برای لازم‌الاجراء شدن اصلاحات کامپالا در خصوص تجاوز به ۳۰ سند کاهش یافت. این تصمیم نشان از عزم مجمع دول عضو جهت تسریع در روند فعال‌سازی صلاحیت دیوان نسبت به تجاوز دارد. لیختشتاین اولین دولتی بود که در تاریخ ۸ می ۲۰۱۲ میلادی مصادف با مراسم سالیانه پایان جنگ جهانی دوم در اروپا، سند تصویب اصلاحات کامپالا مربوط به جنایات تجاوز ارضی را به سازمان ملل تحویل داد.<sup>۱</sup> همچنین فلسطین به عنوان اولین کشور از منطقه آسیا و سی‌امین و آخرین کشور جهت اخذ رسمیت برای اصلاحات کامپالا در ۲۶ ژوئن ۲۰۱۶ میلادی، این اصلاحات را به تصویب رساند.<sup>۲</sup> لذا در تاریخ ۲۶ ژوئن ۲۰۱۷ میلادی این شرط محقق شد. گذشت مدت یک سال پس از تصویب آخرین دولت مقرر در ماده ۱۵ مکرر و ۱۵ مکرر دوم اساسنامه با مهلت یک سال بند ۵ ماده ۱۲۱ اساسنامه همپوشانی دارند و در واقع یکی هستند. یعنی نیاز به گذشت دو سال از زمان تصویب آخرین دولت، یک سال جهت رعایت بند ۵ ماده ۱۲۱ و یک سال دیگر جهت رعایت ماده ۱۵ مکرر و مکرر دوم وجود ندارد و گذشت یک سال کافی است. در نهایت مجمع دول عضو تصمیم گرفت صلاحیت دیوان را نسبت به جنایت تجاوز ارضی از تاریخ

1. LIE-PR2012-05-08-CoA-ENG.

2. ICC-ASP-20160629-PR1225.

۱۷ جولای ۲۰۱۸ به بعد فعال نمایندند. از این تاریخ به بعد همه تلاش‌ها در خصوص مقابله با بی‌کیفری نسبت به جنایت تجاوز ارضی تا حدود بسیار زیادی به ثمر خواهند نشست و پس از دهه‌ها جنایت تجاوز ارضی جرم‌انگاری شده و یک نهاد مستقل قضایی دائمی برای آن در نظر گرفته شده است.

## ۲-۱. اتخاذ تصمیم راجع به جنبهٔ اختلافی اعمال صلاحیت دیوان نسبت به

### جنایت تجاوز ارضی

موضوعی که از کنفرانس بازنگری به صورت اختلافی باقی مانده بود نیز در مجمع دول عضو مطرح شد. موضوع بحث به این ترتیب است که در صورتی که جنایات علیه بشریت یا جنایات جنگی یا نسل‌کشی توسط اتباع دول عضو صورت گیرند یا توسط اتباع دول غیرعضو لکن در سرزمین دول عضو ارتکاب یابند، دیوان صلاحیت رسیدگی به این قضیه را خواهد داشت. اما در خصوص جنایت تجاوز ارضی با توجه به بند ۵ ماده ۱۵ اساسنامه الحاقی کنفرانس بازنگری ۲۰۱۰ کامپالا، در رابطه با دولت غیرعضو نسبت به اساسنامه در صورتی که تجاوز توسط اتباع آن کشور یا نسبت به سرزمین آن کشور صورت پذیرد، دیوان صلاحیت رسیدگی نخواهد داشت. بنابراین، اگر تبعهٔ کشور (الف) که به عضویت اساسنامهٔ دیوان درنیامده اقدام به عمل تجاوز کارانه نسبت به کشور (ب) کند که به عضویت اساسنامه درآمده است، دیوان صلاحیت رسیدگی به این مورد را نخواهد داشت.

اما فرضی که در این قسمت قابل تصور است و پاسخ به آن مورد اختلاف بوده اینکه کشور (الف) دولت عضوی باشد که اساسنامه را تصویب کرده لکن اصلاحات ۲۰۱۰ کامپالا را تصویب نکرده و اقدام تجاوز کارانه‌ای را نسبت به کشور (ب) که دولت عضو است و اصلاحات کنفرانس بازنگری ۲۰۱۰ را تصویب کرده انجام دهد؛ آیا در این فرض دیوان صلاحیت رسیدگی دارد؟ اساسنامه در خصوص این وضعیت ساکت است. حکم بند ۵ ماده ۱۵ فقط نسبت به کشوری است که به عضویت اساسنامه درنیامده است. اما در خصوص دولتی که اساسنامهٔ دیوان را تصویب کرده ولی اصلاحات کنفرانس بازنگری ۲۰۱۰ کامپالا را تصویب نکرده اظهار نظری نشده است. این در حالی است که مطابق بند ۵ ماده ۱۲۱

اساسنامه هر نوع اصلاحاتی نسبت به مواد ۵، ۶، ۷ و ۸ در اساسنامه تنها برای آن دسته از کشورهای الزام‌آور است که اولاً این اصلاحات را تصویب کنند و ثانیاً یک سال از زمان تصویب آنها بگذرد. در مورد دولت عضوی که این اصلاحات را تصویب نکرده است، دیوان نسبت به اتباع آن یا جرایمی که در قلمروی سرزمینی آن رخ می‌دهند صلاحیت ندارد. همچنین، در مذاکرات کامپالا توافق شد که اصلاحات الحاقی مشمول بند ۵ نه بند ۴ اساسنامه باشند. شاید این ابهام از شرایط اعمال صلاحیت دیوان بزرگ‌ترین موضوع اختلافی در خصوص تجاوز ارضی بعد از کنفرانس بازنگری باشد. دامنه این اختلاف به مجمع دول عضو نیز کشیده شد، چراکه بسیاری از دول عضوی که اصلاحات کنفرانس بازنگری را تصویب نکرده بودند هنوز نمی‌دانستند که دیوان در خصوص جنایت تجاوز ارضی نسبت به اتباع آنها صلاحیت دارد یا خیر؟ این موضوع باعث شد دو دسته دیدگاه در مقابل هم قرار گیرند: مطابق دیدگاه اول چنانچه دولت عضو اصلاحات کامپالا را تصویب نکرده باشد، دیوان با توجه به قسمت اخیر بند ۵ ماده ۱۲۱ صلاحیت رسیدگی به جنایت تجاوز ارتكابی توسط اتباع آن دولت یا در سرزمین آن دولت را نخواهد داشت. استدلال اصلی بر ماهیت معاهده‌ای اساسنامه استوار بود و بر اساس آن که اعمال صلاحیت دیوان مبتنی بر رضایت است. دیدگاه دوم آنکه دیوان صلاحیت رسیدگی به چنین وضعیتی را خواهد داشت و استدلال این بوده که این نظر مخالف با حقوق معاهدات نیست، چراکه دولت عضوی که اصلاحات اساسنامه را تصویب نکرده می‌تواند مطابق با بند ۴ ماده ۱۵ با ارسال اعلامیه‌ای نزد دبیرخانه چنین صلاحیتی را نپذیرد.<sup>۱</sup> در مذاکرات سال ۲۰۱۷ میلادی در خصوص فعال کردن صلاحیت دیوان، راجع به این مورد مذاکره شد. بعضی از نمایندگان معتقد بودند که مسائل ماهوی تجاوز در کنفرانس بازنگری کامپالا تصویب شده و فعال کردن صلاحیت دیوان یک موضوع شکلی است. ورود مجمع به موضوع اعمال یا عدم اعمال صلاحیت دیوان نسبت به دول عضوی که اصلاحات را نپذیرفته‌اند به معنای گشایش طرح تصویب شده به وسیلهٔ اجماع

۱. برای اطلاعات بیشتر در خصوص استدلال‌های دو گروه ر.ک:

Ion Galea (2017), "Interpretation of the Kampala Amendments-One of the Key Issues for Activating the Jurisdiction of the ICC over the Crime of Aggression", *Journal of Law and Administrative Sciences*, 175.

در کنفرانس بازنگری خواهد بود. در نهایت، دو گروه به بیان دیدگاه‌شان نسبت به این موضوع پرداختند:

**الف- توسعه دایره اعمال صلاحیت دیوان نسبت به جنایت تجاوز.** در همین راستا بعضی از نمایندگان استدلال کردند که سؤال کلیدی این نیست که آیا دول عضو اصلاحات اساسنامه را تصویب کرده‌اند و مقررات به موجب این تصویب برای آنها الزام آور شده است یا خیر، بلکه مسئله مهم این است که دیوان چگونه صلاحیت خود را به موجب اساسنامه اجراء خواهد کرد؟ یعنی با توجه به ماده ۱۲ اساسنامه و به موجب اصول سرزمینی و تابعیت، اگر یکی از جنایات داخل در صلاحیت دیوان مانند جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی و نسل‌کشی در سرزمین دول عضو به وسیله اتباع یک دولت غیر عضو اتفاق بیفتد، دیوان صلاحیت رسیدگی خواهد داشت، مانند رسیدگی دادگاه‌های ملی به جرایم ارتكابی افراد بیگانه که در کشور ارتكاب یافته‌اند. بنابراین، اگر یکی از دول عضو که اصلاحات اساسنامه را تصویب کرده در وقوع اقدام تجاوز کارانه مشارکت داشته باشد (به عنوان متجاوز یا قربانی تجاوز) و سایر کشورهای عضو اصلاحات کامپالا را مورد تصویب یا پذیرش قرار نداده باشند ولی در اقدام تجاوز کارانه نقش داشته باشند و اعلامیه عدم پذیرش صلاحیت دیوان نسبت به جنایت تجاوز مطابق با بند ۴ ماده ۱۵ را صادر نکرده باشند، دیوان نسبت به قضیه مطروحه اعمال صلاحیت خواهد کرد. به این ترتیب، حمایت از دول عضوی که ممکن است قربانی تجاوز گردند تضمین می‌شود. استدلال آنها در پذیرش این نظریه به این صورت است که تمام دول عضو صلاحیت دیوان را نسبت به جنایت تجاوز در صورتی که به وسیله اتباع خود یا در خاک یکی از دول عضو صورت بگیرد مطابق با بند ۱ ماده ۱۲ اساسنامه پذیرفته‌اند. آنها همچنین متذکر این نکته شدند که پایه‌های حقوقی اعمال صلاحیت مقررات تصویب شده در کامپالا بند ۲ ماده ۵ اساسنامه است که دربردارنده اعطای وکالت برای برقراری یک کنفرانس بازنگری جهت تدوین مقرراتی ویژه برای اعمال صلاحیت دیوان نسبت به جنایت تجاوز بوده که در اساسنامه مورد تصویب قرار گرفته بوده است. علاوه بر این، با توجه به ماده ۳۱ کنوانسیون وین، بند ۵ ماده ۱۲۱ اساسنامه باید با مفهوم مواد ۵ و ۱۲



نظام مستقل صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی نسبت به جنایت تجاوز ارضی؛ اصغری ۱۷ |

اساسنامه مورد توجه قرار گیرد. لذا تنها جمله اول بند ۵ ماده ۱۲۱ در ارتباط با لازم‌الاجراء شدن اصلاحات کامپالا اعمال می‌شود، چراکه قطعنامه شماره ۶ کنفرانس بازنگری تنها لازم‌الاجراء شدن اصلاحات را به بند ۵ ماده ۱۲۱ اساسنامه ارجاع داده و جمله دوم آن مربوط به اعمال صلاحیت دیوان بر جرایم جدیدی است که به اساسنامه اضافه می‌شوند، این در حالی است که تجاوز از ابتدا به عنوان قسمتی از اساسنامه وجود داشته است (-ICC ASP/16/24: 4).

ب- صلاحیت محدود دیوان نسبت به جنایت تجاوز. سایر نمایندگان استدلال می‌کردند که دول عضو در موقعیت همانند زمان کنفرانس بازنگری نیستند و نمی‌توانند صلاحیت بیشتری را برای دیوان نسبت به جنایت تجاوز ارضی نسبت به آنچه مورد توافق بوده در نظر بگیرند. این دیدگاه که با تصویب یا پذیرش اصلاحات کامپالا از جانب ۳۰ دولت عضو و اتخاذ تصمیم توسط مجمع دول عضو بعد از یکم ژانویه ۲۰۱۷ میلادی، اصلاحات کامپالا را برای همه دول عضو لازم‌الاجراء می‌گرداند، مخالف با اصول حقوق معاهدات است. به خصوص بند ۴ ماده ۴۰ کنوانسیون حقوق معاهدات که بیان می‌دارد: هر اصلاحیه‌ای نسبت به معاهده فقط در مورد کشورهایی که آن را تصویب یا پذیرش کرده‌اند لازم‌الاجراء خواهد بود. نمایندگان موافق این نظر همچنین بیان داشتند که بند ۵ ماده ۱۲۱ اساسنامه که در خصوص مقررات شکلی لازم‌الاجراء شدن اصلاحات است، استثنایی بر ماده ۱۲ اساسنامه است که مقررات عمومی اعمال صلاحیت را بیان می‌کند. بند ۵ ماده ۱۲۱ اساسنامه نیز به صراحت مانع از اعمال صلاحیت دیوان نسبت به جرایمی است که توسط اتباع دول عضو یا در خاک کشورهای دول عضو اتفاق می‌افتد و آن دول عضو اصلاحات اساسنامه را مورد پذیرش یا تصویب قرار نداده است. اصلاحات کامپالا به روشنی مقررات قابل اعمال بر اصلاحات کامپالا را بند ۵ ماده ۱۲۱ قرار داده است. لذا این پیشنهاد که جمله اول آن قابل اعمال است اما قسمت دیگر آن خیر قابل دفاع نیست. همچنین، طرفداران این دیدگاه ابراز داشتند که مقررات بند ۲ ماده ۵ اساسنامه بیان داشته بود که هر گونه مقررات

راجع به اعمال صلاحیت دیوان در خصوص تجاوز باید مطابق با ماده ۱۲۱ به تصویب رسیده باشد (5: ICC-ASP/16/24).

برآیند نشست. سوئیس پیشنهاد گذر از این سؤال و واگذاری تصمیم‌گیری نسبت به آن را به دیوان در صورت پیشامد چنین وضعیتی در آینده کرد، حتی ۳۰ نماینده هم با نماینده سوئیس همصدا شدند. اما بیشتر کشورهای عضو از دیدگاه عدم اعمال صلاحیت دیوان نسبت به دولت‌هایی که اصلاحات اساسنامه را تصویب نکرده‌اند (نسبت به ارتکاب تجاوز توسط اتباع‌شان یا وقوع تجاوز نسبت به خاک‌شان) حمایت می‌کردند. آنها نمی‌خواستند خطر کنند چون ممکن بود بعد از فعال شدن صلاحیت دیوان نسبت به جنایت تجاوز ارضی، دیوان برخلاف دیدگاه آنان اقدام کند. یعنی دیوان حتی نسبت به کشورهای عضوی که اصلاحات را مورد پذیرش قرار نداده‌اند اعمال صلاحیت کند. آنها می‌خواستند که مجمع دول عضو دیدگاه آنها را به عنوان قسمتی از قطعنامه فعال کردن صلاحیت دیوان مورد پذیرش و تصویب قرار دهد. در ادامه، مذاکرات زیادی در راستای ارائه یک نظر که جامع دو دیدگاه مختلف باشد انجام شد؛ یکی از نظراتی که ارائه گردید این بود که دیوان در وضعیت مورد بحث صلاحیتش را نسبت به دول عضوی که اصلاحات را تصویب نکرده‌اند نیز اعمال کند. در راستای تأمین مصالح دولت‌های مخالف، اعلامیه دول عضوی که اصلاحات را تصویب نکرده‌اند به دبیرخانه به عنوان ابلاغیه عدم پذیرش صلاحیت دیوان نسبت به جنایت تجاوز موضوع بند ۴ ماده ۱۵ مکرر محسوب گردد. اما فرانسه و انگلستان مخالفت کردند و بیان داشتند که همه دول عضو باید صلاحیت مضیق را به عنوان قسمتی از قطعنامه فعال کردن صلاحیت دیوان نسبت به جنایت تجاوز بپذیرند. موضع سختگیرانه فرانسه و انگلیس شرایط سختی را به وجود آورده بود. در نهایت پیش‌نویس قطعنامه از سوی دو نایب رئیس شورا ارائه گردید که در بند ۲ آن اشاره به نظر فرانسه و انگلیس یعنی صلاحیت مضیق دیوان نسبت به جنایت تجاوز داشت، به همراه دیدگاهی که پذیرش بی‌چون‌وچرای درخواست فرانسه و انگلیس را کمی تعدیل می‌کند، یعنی آنچه در بند ۳ پیش‌نویس ذکر شده بود: «مجددا تأکید می‌شود که بند ۱ ماده ۴۰ اساسنامه و بند ۱ ماده ۱۱۹ اساسنامه در

ارتباط با استقلال قضایی قضات دادگاه» بیانگر این است که مجمع دول عضو نمی‌تواند مسئولیت اعمال قانون توسط دیوان به عنوان یک دستگاه قضایی را جابه‌جا کند. در طول سیر جرم‌انگاری و تبیین شرایط اعمال صلاحیت دیوان، جهت جلوگیری از بن‌بست در مذاکرات، برخی موارد به صورت مبهم و قابل تفسیر ارائه گردید، چنانکه دربارهٔ مفاد و ارزش حقوقی تفاهم‌های حقوقی مصوب ۲۰۱۰ منضم به اصلاحیهٔ کامپالا ابهام وجود دارد (سودمندی: ۱۳۹۵: ۱۴۱-۱۴۰). اما بعید است که این بند تأثیر بیشتری از یک امتیاز نمادین برای کسانی داشته باشد که خواستار آن بوده‌اند (Claus, 2018: 9-13). در نهایت، پیش‌نویس به همان نحو در قالب قطعنامهٔ پنجم در جلسهٔ شانزدهم مجمع عمومی ضمن فعال کردن صلاحیت دیوان نسبت به جنایت تجاوز از تاریخ ۱۷ جولای ۲۰۱۸ میلادی، به اختلاف یک جنبه از اعمال صلاحیت دیوان در خصوص دول عضوی که اصلاحات کامپالا را تصویب نکرده بودند پایان داد و اعلام داشت دیوان نسبت به چنین وضعیتی صلاحیت نخواهد داشت (ICC-ASP/16/Res.5). علت در نظر گرفتن این مهلت چندماهه برای آغاز فعالیت دیوان نسبت به جنایت تجاوز از زمان صدور قطعنامه این است که مهلت کافی جهت آغاز به کار شعبهٔ مقدماتی در راستای انجام وظایف قضایی مقرر در مادهٔ ۱۵ مکرر وجود داشته باشد.

## ۲. چالش‌های اعمال صلاحیت نسبت به جنایت تجاوز ارضی بعد از تاریخ ۱۷

جولای ۲۰۱۸ میلادی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مجمع دول عضو در سال ۲۰۱۷ میلادی تصمیم به فعال کردن صلاحیت دیوان نسبت به جنایت تجاوز ارضی از تاریخ ۱۷ جولای ۲۰۱۸ میلادی گرفت. با وجود این، انتقادهایی نیز به این توافق‌ها وارد است. به نظر می‌رسد در موارد اوج اختلافات، به جهت نیل به توافق و مصون ماندن از حذف تجاوز از اساسنامه، در مواردی اقدام به بکارگیری لغاتی شده که دربرگیرندهٔ تفاسیر موسعی هستند. اساسنامه در برخی موارد نیز سکوت کرده و گذر از مبحث اختلافی را ترجیح داده است. همچنین، در مواردی اساسنامه و اصلاحات آن، بی‌توجه به تغییرات ایجادشده در پی گذر زمان و تحولات به وجودآمده، تمایلی برای تغییر ماهوی

مفاهیم تاریخی در خصوص تعریف تجاوز نداشته‌اند. در ادامه به برخی از چالش‌های دیوان در خصوص اعمال صلاحیت نسبت به تجاوز ارضی پرداخته خواهد شد.

## ۲-۱. اعلامیه رد صلاحیت دیوان نسبت به جنایت تجاوز ارضی

ماده ۱۲۷ اساسنامه بیان می‌دارد که هر دولت عضو می‌تواند با اعلام کتبی به دبیرکل سازمان ملل متحد از عضویت در اساسنامه کناره‌گیری کند لکن این کناره‌گیری یک سال پس از تاریخ دریافت اعلامیه نافذ خواهد بود. همچنین، ماده ۱۲۰ اساسنامه مربوط به ممنوعیت شرط‌گذاری نسبت به صلاحیت دیوان است.<sup>۱</sup> بند ۴ ماده ۱۵ مکرر اساسنامه در بازنگری سال ۲۰۱۰ میلادی، حاکمیت ماده ۱۲۰ را نسبت به تجاوز ارضی تخصیص زد و دولت‌ها می‌توانند با ارسال اعلامیه نزد دبیرخانه، صلاحیت دیوان نسبت به جنایت تجاوز ارتكابی توسط اتباع خود یا در سرزمین خود را نپذیرند. محدودیت زمانی برای ارسال چنین اعلامیه‌ای پیش‌بینی نشده است. این حق شرط به نوعی مختص تجاوز ارضی گردیده و شامل سایر جنایات تحت صلاحیت دیوان نخواهد گردید. بدیهی است که این عدم پذیرش صلاحیت مشمول وضعیت‌های ارجاعی از جانب شورای امنیت نخواهد بود. به نظر می‌رسد این موضوع مشمول کشورهایی می‌شود که اصلاحات کنفرانس کامپالا را تصویب یا مورد پذیرش قرار داده‌اند و حال مایل به اعمال صلاحیت دیوان نسبت به جنایت تجاوز ارتكابی توسط اتباع خود یا در سرزمین خود نیستند. در غیر این صورت، یعنی عدم تصویب اصلاحات بازنگری سال ۲۰۱۰ میلادی توسط دول عضو، دیوان به صورت خودکار صالح به رسیدگی به جنایت تجاوز نسبت به آنان نخواهد بود. مطابق اساسنامه این اعلامیه را در هر زمانی می‌توان پس‌گرفت و در صورتی که این اعلامیه همچنان معتبر است باید دولت عضو آن را در هر سه سال مورد بررسی مجدد قرار دهد، احتمالاً به این امید که در بررسی مجدد، تصمیم بر بازپس‌گیری این اعلامیه گرفته شود. البته قطعنامه مجمع دول عضو به تاریخ ۱۴ دسامبر ۲۰۱۷ میلادی در مقدمه بیان داشته که هر دولت عضوی می‌تواند اعلامیه رد صلاحیت دیوان نسبت به جنایت

---

۱. مطابق با ماده ۱۲۴ دولت‌ها می‌توانند تا مدت ۷ سال پس از لازم‌الاجراء شدن اساسنامه با صدور اعلامیه‌ای صلاحیت دیوان نسبت به جنایات جنگی را نپذیرند.

تجاوز را قبل از تصویب یا پذیرش اصلاحات کنفرانس بازنگری نیز ارائه کند (-ICC ASP/16/Res.5)، مانند اعلامیه رد صلاحیت دیوان نسبت به جنایت تجاوز ارضی جمهوری کنیا که به تاریخ ۳۰ نوامبر ۲۰۱۵ میلادی صادر شده است.<sup>۱</sup> حال آیا دولتی که صلاحیت دیوان را به صورت موردی در خصوص جنایت تجاوز ارضی پذیرفته می‌تواند از مقررات بند ۴ ماده ۱۵ مکرر راجع به اعلامیه عدم پذیرش صلاحیت در آن مورد استفاده کند؟ به نظر می‌رسد که پاسخ منفی است، چرا که دولت به صورت اولیه خود صلاحیت دیوان را نسبت به قضیه مطروحه پذیرفته و عدم پذیرش متعاقب آن به نوعی نقض غرض است و عدم پذیرش صلاحیت مندرج در بند ۴ ماده ۱۵ مکرر مربوط به عدم تمایل اعمال صلاحیت دیوان به طور کلی بر جنایت تجاوز است نه مصداقی. همچنین، می‌توان با وحدت ملاک از ماده ۱۲۴ اساسنامه راجع به اعلامیه عدم پذیرش صلاحیت راجع به جنایات جنگی فقط مشمول بندهای ۱ و ۲ ماده ۱۲ دانسته است و بند ۳ را که شامل پذیرش صلاحیت موردی است مشمول اعلامیه عدم پذیرش ندانسته است، این نظر را تقویت کرد که اعلامیه عدم پذیرش صلاحیت بند ۴ ماده ۱۵ مکرر راجع به جنایت تجاوز، مشمول پذیرش موردی صلاحیت دیوان موضوع بند ۳ ماده ۱۲ اساسنامه نخواهد شد و دیوان به آن قضیه رسیدگی خواهد کرد.

در نظر گرفتن اعلامیه رد صلاحیت در خصوص تجاوز ارضی در کنفرانس بازنگری مورد انتقاد قرار گرفته و در مقایسه با سایر جنایات در صلاحیت دیوان باعث ایجاد عدم تقارن بین آنها شده است. بر مبنای این مقرر، اگر دولت عضوی اصلاحات کنفرانس بازنگری را نیز مورد تصویب قرار دهد، سپس اقدام به سپردن یک اعلامیه ساده عدم پذیرش صلاحیت نسبت به جنایت تجاوز ارضی نماید، دیوان صلاحیت رسیدگی به اقدام تجاوزکارانه ارتكابی توسط اتباع آن دولت را نخواهد داشت. در حالی که چنانچه دولت عضو دیگری که اقدام به سپردن چنین اعلامیه‌ای نکرده است، در صورت ارتكاب اقدام تجاوزکارانه در قبال دولت عضوی که اقدام به صدور آن نموده است، دیوان صلاحیت رسیدگی به آن قضیه را خواهد داشت. زیرا مانعی برای اعمال صلاحیت در چنین وضعیتی

1. [www.icc-cpi.int/iccdocs/other/2015\\_NV\\_Kenya\\_Declaration\\_article15bis-4.pdf](http://www.icc-cpi.int/iccdocs/other/2015_NV_Kenya_Declaration_article15bis-4.pdf).

در اساسنامه پیش‌بینی نشده و آن دولت از حمایت قانونی و قضایی برخوردار خواهد بود. لذا بسیاری از مفسران دربارهٔ مبنای حقوقی چنین مقرره‌ای تردیدهایی را مطرح کرده‌اند (Alam, 2010: 174).

## ۲-۲. عدم پیش‌بینی کامل پیش‌فرض‌های عملکرد شورای امنیت در راستای درخواست دادستان در خصوص احراز اقدام تجاوزکارانه

از زمان اعلام دادستان به دبیرکل ملل متحد، شورای امنیت ۶ ماه زمان جهت احراز اقدام تجاوزکارانه خواهد داشت. واکنش و عملکرد شورای امنیت می‌تواند شامل وضعیت‌های متفاوتی باشد که در بازنگری اساسنامه به صورت مختصر به آن پرداخته شده و همهٔ ابعاد آن تشریح نشده است. اگر شورا تشخیص داد که اقدام تجاوزکارانه انجام شده است، قطعنامه‌ای مبنی بر احراز اقدام تجاوزکارانه صادر خواهد کرد و در این حالت دادستان مطابق با بند ۷ مادهٔ ۱۵ مکرر تحقیقات خود را در خصوص متهمان تجاوز آغاز خواهد کرد. اگر در بازهٔ ۶ ماهه سکوت کند، این موضوع باعث تزلزل استقلال دیوان نخواهد بود و دادستان می‌تواند مطابق با بند ۸ مادهٔ ۱۵ مکرر پس از اخذ مجوز از بخش مقدماتی تحقیقات خود را راجع به تجاوز آغاز کند، اما در صورتی که احراز کرد که اقدام تجاوزکارانه‌ای رخ نداده یا در صورت صدور قطعنامه‌ای که به صراحت متضمن احراز اقدام تجاوزکارانه نباشد، مانند صدور قطعنامهٔ مبنی بر نقض صلح یا تهدید صلح، تکلیف چه خواهد بود؟ چرا که در عمل بسیار مشاهده شده که شورای امنیت اغلب وضعیت‌ها را در قالب فصل هفتم منشور ملل متحد پاسخ می‌دهد بدون اینکه به صراحت به احراز وجود اقدام تجاوزکارانه تصریح نماید؛ باید توجه داشت که واژهٔ «تجاوز» تنها یکی از اصطلاحات سه‌گانهٔ بکاررفته در مادهٔ ۳۹ منشور است و با توجه به قطعنامهٔ ۳۳۱۴ مجمع عمومی، تجاوز شدیدترین اقدام در راه نقض صلح و امنیت بین‌المللی است، لذا شورای امنیت در خصوص حملهٔ عراق به کویت و جنگ بین دو کره، اقدامات دولت مهاجم را صرفاً تهدید علیه صلح یا نقض صلح تلقی نمود. همچنین، در مواردی که شورای امنیت رأساً و بدون اعلام دادستان، در راستای وظایف خود مطابق با منشور ملل متحد اقدام به صدور قطعنامه مبنی بر احراز اقدام تجاوزکارانه، نقض

صلح یا تهدید علیه صلح بدون اشاره به دیوان کیفری بین‌المللی کند، آیا این اقدام نیز مشمول این ماده خواهد بود؟ در ادامه به بررسی ابعاد مختلف این روند خواهیم پرداخت:

۱- در صورتی که قطعنامهٔ احراز اقدام تجاوزکارانه در شورای امنیت توسط اعضای دائم و تو شود، اوج چالش بین دیوان و شورای امنیت در احراز اقدام تجاوزکارانه خواهد بود؛ این در حالی است که اساسنامه فقط به بیان حالتی بسنده کرده که شورای امنیت در مهلت شش ماه سکوت کرده باشد که در این صورت دادستان با مراجعه به شعبهٔ مقدماتی، مجوز شروع به تحقیقات را در صورت مقتضی أخذ خواهد کرد. با توجه به موارد پیش گفته آیا وتوی قطعنامهٔ احراز اقدام تجاوزکارانه توسط اعضای دائم شورای امنیت باعث جلوگیری از صلاحیت دیوان در خصوص جنایت تجاوز ارضی خواهد شد؟ این سؤال مهمی است که اساسنامه به آن پاسخی نداده اما با توجه به متن اصلاحات بازنگری مانعی در روند رسیدگی برای احراز اقدام تجاوزکارانه در این حالت دیده نمی‌شود (Dimitris Liakopoulos, 2020: 140). از طرفی هدف اصلی مخالفان احراز انحصاری اقدام تجاوزکارانه توسط شورای امنیت جلوگیری از چنین وضعیتی بوده چراکه در مذاکرات سال ۱۹۹۱ میلادی کمیسیون حقوق بین‌الملل بیان شد که اعطای امتیاز متوقف کردن روند دادرسی کیفری به شورای امنیت (در فرض مسئولیت انحصاری شورای امنیت در احراز اقدام تجاوزکارانه) باعث به وجود آمدن یک نابرابری بنیادین بین اشخاص متهم به تجاوز ارضی می‌گردد و این موضوع مغایر با اصل تساوی اشخاص در برابر قوانین کیفری است. زیرا در صورت ارتکاب تجاوز ارضی از سوی اعضای دائم شورای امنیت که عضو اساسنامهٔ دیوان هستند با وتوی آن عضو دائم شورای امنیت، قطعنامهٔ احراز اقدام تجاوزکارانه ناکام خواهد ماند (Schuerch, 2017: 173-174). علاوه بر حق وتو، نباید از تأثیرگذاری دیدگاه‌های سیاسی اعضای دائم شورای امنیت در تصمیم‌گیری‌هایشان به خصوص در موضوعات کیفری غافل شد و در صورت مسدود نمودن راه دادستان در صورت عدم احراز اقدام تجاوزکارانه توسط شورای امنیت در موارد ارجاعی از جانب دول عضو یا به ابتکار دادستان، اعضای دائم شورای امنیت و کشورهای تحت حمایت ایشان، حتی در صورت تصویب اساسنامه و اصلاحات کامپالا، به دیگر طریق علاوه بر جلوگیری از ارجاع وضعیت اقدام تجاوزکارانه توسط

شورای امنیت ذیل بند (b) ماده ۱۳ دارای مصونیت کیفری غیررسمی در قبال تجاوز ارضی می‌گردند.

همچنین، قطعنامه اتحاد برای صلح (قطعنامه ۳۷۷ یا قطعنامه دین آچسن)<sup>۱</sup> نشان داد که حتی اعضای دائم شورای امنیت نیز اعتقادی به انحصاری بودن تشخیص تجاوز توسط آن رکن را نداشته‌اند (بیگ‌زاده، ۱۳۹۰: ۴۰۶). با عنایت به سابقه عملکرد شورای امنیت در طی چند دهه اخیر مشروط نمودن رسیدگی دیوان به احراز عمل تجاوز توسط شورای امنیت به معنی عدم صلاحیت این دیوان در رسیدگی به جنایت تجاوز خواهد بود (شمسی‌فام، امینی: ۱۳۹۷: ۲۳۲). لذا به نظر می‌رسد در چنین وضعیتی نیز به مانند وضعیت سکوت شورای امنیت در مهلت شش ماهه، دادستان حق مراجعه به شعبه مقدماتی و اخذ مجوز تحقیقات در خصوص تجاوز ارضی در صورت مقتضی را خواهد داشت؛ با این پاسخ این موضوع به ذهن متبادر می‌شود که پس اساساً چرا موضوع ابتدا به شورای امنیت فرستاده می‌شود و این کار امری عبث است و تشخیص شورای امنیت هیچ تأثیری بر عملکرد دیوان نخواهد داشت. اما به نظر می‌رسد با توجه به مذاکرات سخت در خصوص تبیین مسائل شکلی ارتباط بین شورای امنیت و دیوان و موضع سخت اعضای دائم شورای امنیت و مسئولیت اولیه احراز اقدام تجاوزکارانه که در منشور ملل متحد بر عهده شورای امنیت نهاده شده و همچنین پیش‌بینی پشتیبانی شورای امنیت از دیوان در صورت احراز اقدام تجاوزکارانه، چاره‌ای جز در نظر گرفتن سازکارهایی برای مشارکت شورای امنیت ولو به صورت تشریفاتی در احراز اقدام تجاوزکارانه وجود نداشته است. چنانچه نقض عدالت و نظم توسط یکی از دولت‌ها صورت پذیرد، شورای امنیت می‌تواند نقش مثبت خود را ایفا کند. زیرا نیازمند یک نهاد بین‌المللی هستیم که نخست مورد اجماع جهانی دولت‌ها باشد و دوم، ابزار مقابله را داشته باشد و با ارتباط خود با سازمان ملل متحد، که اکثر قریب به اتفاق کشورها به عضویت آن درآمده و به تبعیت از شرایط حاکم بر آن اذعان دارند، بتواند وضعیت ایجادشده را حل و فصل کند (حجازی، صلح‌چی: ۱۳۹۹: ۱۳). ثمره اظهار نظر نخست شورای امنیت در خصوص احراز

---

1. Dean Achson.



اقدام تجاوزکارانه، حمایت آن شورا از روند دادرسی کیفری در دیوان خواهد بود و عدم احراز نباید مانع از طی تشریفات دادرسی دیوان گردد.

۲- در صورتی که شورای امنیت در پاسخ به اعلام دادستان و در بازه زمانی ۶ ماهه، با صدور قطعنامه‌ای اعلام دارد که در قضیه اعلام شده، در نتیجه استفاده از نیروهای مسلح بین دو دولت، نقض صلح یا تهدید علیه صلح اتفاق افتاده و از بکار بردن اصطلاح اقدام تجاوزکارانه امتناع نماید، تکلیف چیست؟ بر این اساس، این احتمال می‌رود که شورای امنیت نمی‌خواهد احراز صریحی مبنی اقدام تجاوزکارانه داشته باشد، اما مایل به آغاز این فرآیند در دیوان است (Scheffer, 2009: 408). شورای امنیت در پاسخ به دیوان و با در نظر گرفتن اینکه این قطعنامه با هدف آغاز فرآیند دادرسی کیفری صادر می‌گردد اقدام نموده و می‌توان آن را به عنوان چراغ سبزی جهت آغاز فرآیند تحقیقات مقدماتی توسط دادستان بدون اخذ مجوز از بخش مقدماتی قلمداد نمود.

۳- در صورتی که شورای امنیت در راستای وظایف خود و بدون اعلام دادستان با صدور قطعنامه‌ای احراز کند که در نتیجه استفاده از نیروهای مسلح بین دو دولت اقدام تجاوزکارانه اتفاق افتاده است، در این وضعیت به نظر می‌رسد که با توجه به حصول نتیجه پیش‌بینی شده در مقررات شکلی بند ۶ ماده ۱۵ مکرر، دادستان بی‌نیاز از رعایت تشریفات اعلام به دبیر کل ملل متحد می‌گردد و می‌تواند تحقیقات خود را در خصوص تجاوز ارضی آغاز کند. طبق اصل کلی، دول غیرعضو نسبت به اساسنامه تعهدی به همکاری با تحقیقات مقدماتی دادستان ندارند، مگر در موارد ارجاع وضعیت از جانب شورای امنیت که چنین تعهدی بر عهده آنان وضع گردد (Ayeni & Olong, 2017: 252). به نظر می‌رسد در این وضعیت هم‌علی‌رغم اینکه ارجاع مستقیمی به دادستانی صورت نگرفته لکن همه دول از جمله دول غیرعضو به پشتوانه قطعنامه شورای امنیت ملزم به همکاری با تحقیقات مقدماتی دادستانی هستند.

۴- در صورتی که شورای امنیت در راستای وظایف ذاتی خود رأساً و بدون اعلام قبلی دادستان با صدور قطعنامه‌ای احراز کند که در نتیجه استفاده از نیروهای مسلح بین دو دولت، نقض صلح یا تهدیدی علیه صلح اتفاق افتاده است. تفاوت آن با وضعیتی که شورای امنیت در بازه ۶ ماهه اقدام به صدور قطعنامه مبنی بر نقض صلح یا تهدید صلح می‌نماید این است

که شورای امنیت در پاسخ به اعلام دادستان توجه خواهد داشت که پاسخ او در راستای اهداف کیفری خواهد بود. در وضعیت مطروحه شورای امنیت بدون درخواست قبلی دادستان و فارغ از آثار کیفری تصمیم خود، فقط در راستای وظایف خود مطابق با منشور ملل متحد عمل کرده است. در این صورت نیز دیوان نمی‌تواند نسبت به موضوع بی تفاوت باشد؛ چراکه اولاً دولتی با استفاده از آستانه‌ای از زور علیه دولت دیگر باعث نقض صلح یا تهدید صلح شده و ثانیاً این امکان وجود دارد که با توجه به ماهیت سیاسی تصمیمات شورای امنیت، شورا بنا بر صلاحدید یا منافع اعضای خود به مانند سنت قدیمی از شناسایی صریح اقدام تجاوزکارانه خودداری کند. ماده ۳۹ منشور ملل متحد به صورت ضمنی بین تهدید علیه صلح، نقض صلح و اقدام تجاوزکارانه تفاوت قائل شده است. لذا متعاقب این تصمیم شورای امنیت، دادستان با مراجعه به بخش مقدماتی دیوان تقاضای بررسی قضایی این قضیه را خواهد کرد تا مشخص گردد که آیا اقدام تجاوزکارانه رخ داده است یا خیر؟ در صورت احراز اقدام تجاوزکارانه توسط شعبه مقدماتی، دادستان قادر به آغاز تحقیقات در خصوص تجاوز ارضی خواهد بود. این وضعیت حالتی بین ارجاع وضعیت از جانب شورای امنیت و ارجاع وضعیت به ابتکار دادستان است، زیرا از طرفی شورای امنیت وضعیتی را به صورت مستقیم ارجاع نداده و از طرف دیگر نیاز به طی مراحل مقررات شکلی بند ۶ ماده ۱۵ مکرر برای دادستان نیست، زیرا شورای امنیت موضع خود را در این قضیه اعلام کرده و مستقیماً به شعبه مقدماتی رجوع خواهد کرد.

۵- در خصوص سایر قطعنامه‌های شورای امنیت که بیانگر نقض صلح یا تهدید علیه صلح هستند یا سایر انواع اقدامات دولت‌ها که ادعا می‌شود تجاوز رخ داده است (همانند تجاوز اقتصادی شامل تحریم‌ها یا اقدامات تجاری تنبیهی یا تجاوز سیاسی شامل تحریم‌های دیپلماتیک یا محدودیت مهاجرت که در آنها نیروهای مسلح بکار گرفته نشده باشند)، نیازی به ورود آن وضعیت به شعبه مقدماتی دیوان جهت تحقیقات کیفری و تعقیب اشخاص نخواهد بود. زیرا لازمه اقدام تجاوزکارانه بکارگیری نیروهای مسلح علیه حاکمیت، تمامیت سرزمینی و استقلال سیاسی دولت دیگر است (Scheffer, 2009: 403).

## ۲-۳. امکان‌سنجی اعمال صلاحیت دیوان نسبت به اقدام تجاوزکارانه گروه‌های

### غیردولتی

یکی از تفاوت‌های بنیادین بین جنایت تجاوز ارضی و سایر جنایات بین‌المللی، پیش‌شرط احراز قبلی یک امر ماهوی یعنی اقدام تجاوزکارانه است که از دیرباز از جدی‌ترین موانع سر راه تعریف تجاوز بوده است. یعنی تا هنگامی که اقدام تجاوزکارانه به عنوان نقض قواعد حقوق بین‌الملل مبنی بر منع توسل به زور در روابط میان دولت‌ها از سوی دولت محقق نشود، بحث جنایت تجاوز ارتكابی به وسیله فرد موضوعاً منتفی است. در تعریف تجاوز ارضی در اساسنامه دیوان از واژه دولت برای مرتکبان اقدام تجاوزکارانه سخن به میان آمده است؛ لذا ارتكاب تجاوز ارضی توسط گروه‌های غیردولتی که دارای تعریف دولت نیستند موضوعی بدون پاسخ مانده است. در دوران جنگ سرد، مفهوم تجاوز نسبتاً ساده بود و تنها از جانب دولت‌ها قابل ارتكاب بود، اما در عصر حاضر، گروه‌های تروریستی نظیر القاعده، داعش و بوکو حرام از طریق حملات مسلحانه به حاکمیت و استقلال دولت‌ها تجاوز کرده‌اند. گفته می‌شود حملات یازده سپتامبر به مانند حمله ژاپن به بندر پرل هاربر تاریخ آمریکا را تغییر داده است. شورای امنیت بعد از وقوع این حادثه، طی قطعنامه‌ای تحت عنوان تهدید صلح و امنیت بین‌المللی ناشی از اقدامات تروریستی، این اقدامات انتحاری را به صراحت حمله تلقی کرده است (شایگان‌فرد: ۱۳۹۷: ۴۴۲-۴۴۱). در رابطه با اساسنامه بکارگیری واژه دولت در تعریف تجاوز ارضی این اختلاف را پیش آورده که آیا دیوان صلاحیت رسیدگی به اقدامات تجاوزکارانه این گروه‌های تروریستی را دارد؟

## ۲-۳-۱. پذیرش صلاحیت دیوان برای رسیدگی به اقدام تجاوزکارانه گروه‌های

### غیردولتی

گروه‌های غیردولتی و یا حتی تروریستی مانند داعش، بوکو حرام و القاعده ممکن است اصطلاح دولت را در مورد خود به کار ببرند، اما آیا از دیدگاه حقوق بین‌الملل نیز این عنوان و آثار حقوقی آن پذیرفتنی است؟ از دیدگاه حقوق بین‌الملل، مفهوم دولت از سه عنصر جمعیت، سرزمین و قدرت سیاسی تشکیل شده است. در نظام بین‌الملل معاصر که بر برتری

و تفوق حاکمیت‌های کشوری پایه‌گذاری شده و محروم از ارکان عالی اجرایی است، شناسایی خصوصیت یک تأسیس اساسی را داراست و آن یعنی به رسمیت شناختن کشور نویناد توسط کشورهای دیگر (ضیائی بیگدلی، ۲۱۱). اندیشمندان حقوق بین‌الملل معتقدند با توجه به سیاق واژگان اساسنامه، مخاطب منع توسل به زور مندرج در بند ۴ ماده ۲ منشور شناسایی دولت‌ها توسط یکدیگر اهمیتی ندارد. حتی کشورهایی که عضو ملل متحد نیستند و رژیم‌های دوفاکتو<sup>۱</sup> نیز ملزم به رعایت مقررات این ماده هستند (Bruno, 115). همچنین، در تبصره ۱ ماده ۱ قطعنامه ۳۳۱۴ مجمع عمومی ملل متحد در سال ۱۹۷۴ میلادی در خصوص شناسایی اقدام تجاوزکارانه بیان شده بود: «بی‌توجه به مسائل شناسایی یا اینکه دولتی عضو ملل متحد است (...)» و معاهده آفریقایی موسوم به پروتکل عدم تجاوز و دفاع متقابل در منطقه گریت لیکس ۲۰۰۶ میلادی متجاوز را منحصر در دولت به معنای خاص آن ندانسته و تجاوز را قابل ارتکاب از جانب کنشگران غیردولتی نیز دانسته است. با وجود این، برخی از اندیشمندان بیان داشته‌اند که آیا می‌توان در تعریف اصطلاح «دولت»، بدون لطمه به اصول حقوق بین‌الملل مانند شناسایی یا پرسش اینکه آیا این دولت عضو سازمان ملل است، به گونه‌ای از آن مطابق با اهداف حقوق کیفری استفاده کرد؟ به لحاظ تاریخی این نهادها (شبه‌دولت) می‌توانند برای احراز اقدام تجاوزکارانه به عنوان یک دولت مورد بازخورد قرار گیرند و همچنین از امتیاز حقوقی این دیدگاه اینکه می‌توان مسئولیت بین‌المللی را به خصوص در مناطق جنگی و در منازعات بر آنها تحمیل نمود (Bachmann & Abdelkader, 2018: 93). در تفسیری دیگر در حقوق بین‌الملل ممکن است تجاوز ارضی بر اقدامات غیرقانونی دولت‌ها یا گروه‌های غیردولتی به تنهایی به عنوان نماینده آنها دلالت ضمنی کند. در واقع، این موضوع در پرتو تفسیری جایگزین و نوآورانه از تجاوز ارضی ارائه گردیده است. این یک تجسم فکری محدود از تغییرات سریع جهانی است که گروه‌هایی بدون وابستگی به هیچ دولت یا جامعه جهانی خودشان را به عنوان ساختاری متضاد با سازمان سیاسی و اجتماعی یک دولت انتخاب می‌کنند (Ezeani, 2017: 20).

1. de facto regims.

2. Protocol on Non-Aggression and Mutual Defence in the Great Lakes Region 2006.

۲-۳-۲. عدم صلاحیت دیوان برای رسیدگی به اقدام تجاوزکارانه گروه‌های غیردولتی برخی معتقدند تعریف ارائه‌شده در اساسنامه دیوان بی‌مورد، خطرناک و غیرقابل اجراء است، زیرا تجاوزهای مدرن به وسیله بازیگران غیردولتی در حال افزایش است. این در حالی است که اقدامات آنها خارج از تعریف تجاوز قرار می‌گیرد، چرا که این تعریف منحصرًا تمرکز خود را بر رفتار دولت معطوف کرده که باعث مفهومی مضیق از تجاوز ارضی گردیده که قابل اعمال بر منازعات مسلحانه بین‌المللی حال حاضر نیست (Michael Anderson, 2010: 418). یعنی ما نباید نقص اساسنامه را با تفسیر موسع از واژه دولت جبران کنیم. شاید واضح‌ترین تعریف از دولت که مورد پذیرش بیشتری قرار گرفته تعریف کنوانسیون مونته‌ویدئو<sup>۱</sup> ۱۹۳۳ میلادی باشد که چهار ضابطه جمعیت دائمی، مرزهای شناخته‌شده، یک دولت مؤثر و اهلیت برقراری ارتباط با دیگر دول را دارد. این کنوانسیون وارد حقوق بین‌الملل عرفی شده و معیاری برای تعریف دولت به شمار می‌رود؛ لذا بر اساس این چهار ضابطه سازمان‌های تروریستی مستقل نمی‌توانند یک دولت محسوب شوند و ما در تفسیر اصطلاح دولت در تعریف تجاوز ارضی باید به این ضوابط توجه کنیم (Michael Anderson, 2010: 422-423). این تعریف شامل بازیگران غیردولتی مستقل، بدون اعمال کنترل مؤثر از جانب دولت نمی‌شود؛ در حالی که چنین گروه‌هایی به عنوان جدی‌ترین تهدیدات علیه صلح و امنیت بین‌المللی تلقی می‌شوند (نژمندی‌منش: ۱۳۹۹: ۵۷). حتی ایجاد یک چارچوب جدید از اصطلاح دولت به جهت استفاده انحصاری در حقوق کیفری بین‌المللی نیز دارای مخاطره است، به طوری که یکی از حقوق‌دانان نامی بین‌المللی<sup>۲</sup> آن را منظره عجیب و غریب توصیف کرده است، یعنی در قلمرو حقوق یک نهاد در زمان واحد هم یک دولت و هم یک بازیگر غیردولتی محسوب می‌شود. همچنین، اگر سازمان‌های تروریستی با توجه به تعریف تجاوز به عنوان یک دولت مورد توجه قرار گیرند، خود به خود باید مستحق هر حقی باشند که مربوط به این جایگاه حقوقی است مانند اصل تساوی دولت‌ها (Michael Anderson, 2010: 433-434).

---

1. Montevideo Convention.  
2. Hersch Lauterpacht.

## ۲-۳-۳. راه حل نهایی

تمایل به تفسیر موسع از واژه دولت در اساسنامه به طوری که دربرگیرنده گروه‌های غیردولتی نیز باشد در آثار اندیشمندان به چشم می‌خورد. اصل تفسیر مضیق قوانین کیفری در مقابل این نظر وجود دارد. انتخاب یکی از این دو نظر بستگی به انتخاب و تفسیر آینده قضات دیوان در وضعیت‌های ارجاعی خواهد داشت. دادستان کل وقت دیوان، فاتو بن سودا،<sup>۱</sup> در مصاحبه‌ای که در ۸ آوریل ۲۰۱۵ منتشر شده بیان داشته که دفتر دادستانی در حال بررسی امکان تحقیق درباره اقدامات گروه داعش به عنوان جنایات جنگی یا جنایات علیه بشریت و حتی نسل‌کشی است و نامی از تجاوز ارضی در میان نبوده است.<sup>۲</sup> اما به نظر می‌رسد دلیل آن نداشتن مجوز اعمال صلاحیت نسبت به جنایت تجاوز تا اتخاذ تصمیم مجمع دول عضو در سال ۲۰۱۷ میلادی بوده و این سخنان دادستان را نمی‌توان به عنوان اظهار نظر ماهوی در خصوص عدم صلاحیت دیوان نسبت به تجاوز ارضی داعش تفسیر نمود. عدم امکان عضویت گروه‌های غیردولتی به دیوان در موارد ارجاع وضعیت از جانب دول عضو و یا به ابتکار دادستان بر دشواری موضوع افزوده است. به طور کلی، تعریف بکاررفته از جنایت در کامپالا هر چند نشانه‌هایی از مدرنیته را دارد همچنان محافظه کارانه است. زیرا ماده ۸ مکرر اساسنامه هر چند مسئولیت کیفری فردی را از مفهوم سنتی «جنگ تجاوز کارانه» به «اعمال تجاوز کارانه» توسعه می‌دهد، مفهوم تجاوز هنوز به خشونت بین دولت‌ها اختصاص دارد (موسی‌زاده، فروغی‌نیا، ۱۳۹۲: ۱۴۳).

به نظر می‌رسد راه حل این موضوع مطابق با بند ۷ مصادیق اقدام تجاوز کارانه مقرر در ماده ۸ مکرر اساسنامه است که اعزام دسته‌ها، گروه‌ها، نیروهای نامنظم یا مزدوران مسلح توسط یک دولت علیه دولت دیگر را تجاوز شناخته است. تنها مصداق تجاوز غیرمستقیم، یعنی دولتی بدون استفاده از نیروهای مسلح خود مرتکب اقدام تجاوز کارانه نسبت به حاکمیت، تمامیت سرزمینی یا استقلال سیاسی دولت دیگر یا به هر نحو دیگر ناسازگار با منشور ملل متحد شود، همین بند است؛ به نظر می‌رسد دول قدرتمند از تصرف قلمروی

1. Fatou Bensouda.

2. <https://www.icc-cpi.int/Pages/item.aspx?name=otp-stat-08-04-2015-1>.

دولت‌های دیگر به صورت مستقیم دست کشیده‌اند و با ایدئولوژی جدیدی سعی در بهره‌برداری از منافع خود به طور غیرمستقیم دارند. زیرا در عصر حاضر تجاوز نظامی مستقیم هزینه‌های مالی و روانی گزافی دارد و مسلم بودن نقض منع توسل به زور و ترس از جنگ هسته‌ای و ... دول را به اعمال زور به طور غیرمستقیم سوق داده است، مانند اعطای کمک به نیروهای شورشی که این مساعدت‌ها می‌توانند در قالب واژگانی چون معاونت یا مشارکت قرار گیرند. با این حال، مرزهای دقیق تجاوز غیرمستقیم از تهاجم مشخص نگردیده است. کمتر تردیدی در خصوص حمایت و پشتیبانی دولت‌ها از گروه‌های تروریستی وجود دارد و در واقع آنان دارای همان قدرت و اختیارات مد نظر اساسنامه برای احراز ضابطه رهبری هستند و با تجهیز این گروه‌ها و حمایت‌های مادی و معنوی آنها باعث تنفس این گروه‌ها و ارتکاب اقدامات شنیعی از جمله اشغال و تجاوز نظامی شده‌اند. در این حالت باید تحقیقات مقدماتی معطوف به عملکرد و نقش رهبران سیاسی و نظامی دولت‌های معینی باشد که در پیشبرد گروه‌های غیردولتی مؤثر بوده‌اند.

در مقابل، چنانچه گروه‌های غیردولتی مورد پشتیبانی دولت‌ها نبودند، چاره‌ای جز تمسک به رسیدگی دادگاه‌های ملی وجود نخواهد داشت. اصل صلاحیت جهانی قابلیت‌های زیادی در مقابله با پدیده بی‌کیفری دارد. گاهی اوقات تعاریف بغرنج اجازه می‌دهند مجرمانی که نمی‌توانند آستانه بالای تعیین شده توسط دیوان را برآورده کنند مشمول بی‌کیفری شوند. به طور کلی دو استدلال مهم به نفع تعمیم صلاحیت جهانی به تروریسم وجود دارد: نخست، تمام کشورها در تضمین صلح و امنیت جهانی که تروریسم آن را تهدید می‌کند ذینفع هستند. دوم، کشورهای ثالث زمینه بی‌طرفانه‌تری را برای تعقیب تروریست‌ها که اغلب سیاسی هستند فراهم می‌سازند (رضوی فرد، نمایان، ۱۳۹۴: ۴۹-۴۵). در دادگاه نورنبرگ، اعمال صلاحیت جهانی نسبت به جنایت تجاوز ارضی به عنوان حقوق بین‌الملل عرفی مورد پذیرش قرار گرفته و نویسندگان معتقدند دیوان نظامی بین‌المللی با برگزاری دادرسی در جنگ جهانی دوم، اصل صلاحیت جهانی را اعمال کرده است (Kestenbau, 2016: 71-72). ایالات متحده آمریکا نگران اعمال صلاحیت جهانی از جانب کشورهای مختلف نسبت به تجاوز ارضی به عنوان نتیجه ناخواسته کنفرانس کامپالا بود، یعنی پس از

تعریف تجاوز در اساسنامه دیوان صلاحیت جهانی بیشتر مورد توجه قرار بگیرد. لذا به دنبال ایجاد محدودیت نسبت به این موضوع در بند ۵ از ضمیمه سوم قطعنامه شماره ۶ کنفرانس بازنگری تحت عنوان نکات مورد تفاهم بوده است. اما به اعتقاد صاحب نظران، دادگاه نورنبرگ و اقدامات بعدی حقوقی در این راستا، به عنوان حقی نسبت به دولت‌ها برای اعمال صلاحیت جهانی نسبت به جرایم در اساسنامه نورنبرگ از جمله تجاوز ارضی قبل از اصلاحات کنفرانس بازنگری ذیل حقوق بین‌الملل عرفی متبلور شده است (Scharf, 2012: 388). بنابراین، محدودیتی در اعمال صلاحیت جهانی توسط محاکم داخلی نسبت به جنایت تجاوز ارضی متصور نخواهیم بود.

### نتیجه

فعال کردن صلاحیت دیوان نسبت به جنایت تجاوز، مطابق با قطعنامه پنجم جلسه شانزدهم مجمع دول عضو در ۲۰۱۷ میلادی، از تاریخ ۱۷ جولای ۲۰۱۸ میلادی آغاز گردید. مجمع دول عضو ضمن فعال کردن صلاحیت دیوان نسبت به جنایت تجاوز، به اختلاف نظر راجع به اعمال صلاحیت دیوان در خصوص دول عضوی که اصلاحات کامپالا را تصویب نکرده بودند پایان داد و اعلام داشت که دیوان نسبت به چنین وضعیتی صالح نخواهد بود. فعال کردن صلاحیت دیوان نسبت به جنایت تجاوز ارضی توسط مجمع عمومی دول عضو در سال ۲۰۱۷ میلادی همان آرزوی دیرینه بشر در مقابله با بی‌کیفری در این خصوص بوده است. تلاش‌های زیادی در این راستا صورت گرفت تا جامعه بین‌المللی به یک تفاهم مشترک در خصوص این مفهوم دشوار حقوقی-سیاسی برسد و در نوع خود یک پیروزی بزرگ است. این دستاورد زمانی افتخارآمیز خواهد بود که در عمل باعث مصونیت جامعه ملل از جنگ‌های جهانی و حتی تعرضات بین‌الدولی گردد. بعد از فعال شدن صلاحیت دیوان نسبت به جنایت تجاوز، فرصت اندکی برای شادی وجود داشته است. تعریف تجاوز و شرایط اعمال صلاحیت دیوان جامع نبوده و ابهامات فراوانی در اساسنامه وجود دارند. این یک خطر بالقوه برای آینده دیوان محسوب می‌شود. کشورهای قدرتمند که نوک پیکان اعمال صلاحیت دیوان به سمت آنان نشانه‌گیری شده از هیچ فرصتی برای اثرگذاری بر



کارایی دیوان دریغ نخواهند کرد. تفسیر مواد اساسنامه باید به سمتی حرکت کند که استقلال دادرسی دیوان حفظ گردد. یکی از مهم‌ترین ابهاماتی که اساسنامه از پاسخ صریح در فروض مختلف به آن اجتناب کرده کشاکش احراز اقدام تجاوزکارانه میان دیوان کیفری و شورای امنیت است. نگارندگان مقاله با توجه به ماهیت سیاسی شورای امنیت، باور به دخالت حداقلی شورای امنیت در تصمیمات قضایی دیوان در مقابله با جنایت تجاوز ارضی دارند. از دیگر ابهامات اساسنامه تردید در اعمال صلاحیت دیوان نسبت به گروه‌های غیردولتی است. تفسیر کلمه «دولت» در اساسنامه باید ضمن تأکید بر اصل تفسیر مضیق قوانین کیفری چاره‌ساز باشد. بدین ترتیب، به نظر می‌رسد اگر دیوان کیفری نتواند به اقدامات تجاوزگرانه گروه‌های غیردولتی رسیدگی نماید، حامیان دولتی این گروه‌ها باید مورد تعقیب دیوان قرار گیرند تا جنبه پیشگیرانه صلاحیت دیوان نسبت به تجاوز محقق گردد. اگر گروه‌های غیردولتی بدون حامی دولتی باشند، صلاحیت جهانی دادگاه‌های ملی می‌تواند مانع از بی‌کیفری اقدامات این گروه‌ها گردد.

## ORCID

Morteza Asghari

 <http://orcid.org/0000-0001-8454-8337>

Hossein Mir-Mohammad  
Sadeghi

 <http://orcid.org/0000-0001-8849-5308>

## منابع

### الف. فارسی

ضیائی بیگدلی، محمدرضا، «حقوق بین الملل عمومی»، چاپ سی و هفتم، گنج دانش، تهران، ۱۳۸۸.

شایگان فرد، مجید، تجاوز نظامی و اقدامات جامعه بین المللی، چاپ اول، مجد، تهران، ۱۳۹۷.  
بیگ زاده، «ابراهیم»، جنایت تجاوز: از کنفرانس رم تا کنفرانس کامپالا، مندرج در کتاب حقوق کیفری بین المللی فرآیند، نظریه ها و چشم اندازها، میزان، چاپ اول، ۱۳۹۰.  
حجازی، امرالدین؛ صلح چی، محمدعلی، تأثیر شورای امنیت سازمان ملل متحد در ایجاد امنیت و عدالت کیفری بین المللی، پژوهش حقوق کیفری، دوره نهم، شماره سی و سوم، زمستان ۱۳۹۹.

سودمندی، عبدالمجید، چالش های حقوقی گسترش صلاحیت دیوان کیفری بین المللی به جنایت تجاوز، پژوهش های حقوق تطبیقی، بهار ۱۳۹۵، دوره بیستم، شماره ۱.  
شمسی فام، بهرام؛ امینی، ابراهیم، جنایت تجاوز و اعمال صلاحیت دیوان بین المللی کیفری نسبت به آن، مطالعات حقوق، زمستان ۱۳۹۷، شماره ۲۷.

موسی زاده، رضا؛ فروغی نیا، حسین، بررسی مفهوم جنایت تجاوز ارضی با تأکید بر قطعنامه مصوب کنفرانس بازنگری کامپالا، فصلنامه دیدگاه های حقوق قضایی، شماره ۶۲، تابستان ۱۳۹۲.

نژمندی منش، هیبت الله؛ حاجی پور، زهرا «چالش های فراروی دیوان بین المللی کیفری در رسیدگی به جنایت تجاوز سرزمینی»، فصلنامه حقوق بین المللی کیفری، شماره اول بهار ۱۳۹۹

نظام مستقل صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی نسبت به جنایت تجاوز ارضی؛ اصغری ۳۵ |

رضوی فرد، بهزاد؛ نامیان، پیمان، رویارویی با بی کیفری تروریسم: راهبردی نوین در پرتو تحولا نظام حقوق بین‌المللی کیفری، نشریه راهبرد، پاییز ۱۳۹۴، شماره ۷۶

### ب. انگلیسی

- Historical Review of Developments relating to Aggression, (2003), United Nations Publication
- Ayeni, V. O., & Olong, M. A. (2017). Opportunities and challenges to the un security council referral under the rome statute of the international criminal court. *African Journal of International and Comparative Law*, 25(2), 239-260.
- Aftab Alam, (2010), "ICC and the Crime of Aggression: The Kampala Compromise or Consensus", 10 ISIL Y.B. Int'l Human. & Refugee L. 149
- Bachmann, S., & Abdelkader, Y. (2018). "Reconciling quasi-states with the crime of aggression under the icc statute". *Emory International Law Review*, 33(1), 91-132.
- David Scheffer, (2009), "A Pragmatic Approach to Jurisdictional and Definitional Requirements for the Crime of Aggression in the Rome Statute", *Case Western Reserve Journal of International Law*, Volume 41, Issue 2
- Dimitris Liakopoulos, (2020), "Security Council powers in relation to the crime of Aggression. international security and the role of icc". *public security and public order*, (24)
- Ezeani, E. C. (2017). "Responding to Homegrown Terrorism: The Case of Boko Haram". *Annual Survey of International and Comparative Law*, 22, 1-32
- Kerb Claus, (2018), "On the Activation of ICC Jurisdiction over the Crime of Aggression", *Journal of International Criminal Justice* 16
- Res Schuerch, (2017), "The International Criminal Court at the Mercy of Powerful States", *International Criminal Justice Series*, Volume 13, Springer
- Michael Anderson, (2010) "Reconceptualizing Aggression", *Duke Law Journal*, Vol. 60:411
- Simma Bruno, *The charter of the united nations a commentary*
- Jocelyn Getgen Kestenbaum, (2016) "Closing Impunity Gaps for the Crime of Aggression", 17 *Chi. J. Int'l L.* 51,
- Michael P. Scharf, (2012) "Universal Jurisdiction and the Crime of Aggression", *Harvard International Law Journal*, Volume 53, Number 2, Summer

Report on the facilitation on the activation of the jurisdiction of the  
International Criminal Court over the crime of aggression // (2017)  
available at: ICC-ASP/16/24  
ICC-ASP/16/Res.5  
Draft Statute for an International Criminal Court (1994)  
Protocol on Non-Aggression and Mutual Defence in the Great Lakes Region  
2006

